

آغاز نهضت پروتستان - مارتین لوتر ۱

قسمت اول

در اواخر قرون وسطی و پیش از آنکه مارتین لوتر اعتراضات خود را عنوان کند، این کلیسا (کلیسای کاتولیک) به شکلی در آمده بود که به زحمت می‌شد در آن، اثری از الگوی عهدجدید برای اعتقادات و عبادات یافت. تشکیلات عریض و طویل دربار پاپها، سلطه آنان بر پادشاهان کشورهای اروپایی، ثروت دربار پاپ که از راه اخذ مالیات‌های سنگین از کشورهای اروپایی حاصل می‌شد، فساد اخلاقی اسقفان و کشیشان که علناً معشوقه نگه می‌داشتند، فساد اداری نظام کلیسایی که باعث می‌شد مقامات کلیسایی علناً خرید و فروش شود، توجه به ظواهر آیینها و خالی کردن آنها از ایمانی قلبی و صادقانه، سلطه و اعمال قدرت کشیشان بر مسیحیان به واسطه منحصر کردن خدمات کلیسایی به خود، و نظایر اینها، مسیحیت را از شکل اصلی‌اش خارج ساخته بود. فقط اسقفان و کشیشان می‌توانستند با دعای خود، عشاء ربانی را تقدیس کنند و به‌عنوان بدن و خون واقعی مسیح به مسیحیان بدهند. شرکت در این آیین بود که می‌توانست روح مسیحیان را از عذاب دوزخ نجات دهد. کشیش این اختیار را داشت که کسانی را از عشاء ربانی محروم کند و به این وسیله، روح او را محکوم به عذاب جهنم سازد. این امر به کلیسا اختیار و اقتداری جادویی می‌بخشید. گویی کلیسا بر سرنوشت ابدی مسیحیان اختیار و قدرت دارد. جان و مال مردم اروپا در دست کلیسا بود.

کشیشان معترض

مارتین لوتر نخستین کشیشی نبود که به چنین نظامی غیرکتاب‌مقدسی اعتراض کرد. در این میان کشیشان و روحانیونی بودند که ایمان صادقانه و تقدس را حفظ کرده، آن را به مردم تعلیم می‌دادند. اما اشکال کار از سر ماهی بود، نه از دُمش! عده‌ای از کشیشان معترض یا در صومعه‌ها ترک دنیا اختیار می‌کردند، یا در اثر اعتراضات سازش‌ناپذیر خود، از سوی دربار پاپ محکوم به مرگ می‌شدند که از آن جمله‌اند جان ویکلیف انگلیسی (۱۳۳۰-۱۳۸۴)، یان هُوس اهل چک (۱۳۷۲-۱۴۱۵)، و ویلیام تیندیل (۱۴۹۴-۱۵۳۶).

این مطلب ادامه دارد.

منبع: وبلاگ آرمان رشدی